

خطبه فدکیه

حضرت زهرا (س): نزدیک ترین حالت زن به خدا زمانی است که در خانه خود باشد و در میان نامحرمان ظاهر نشود. بحارالانوار.

این خطبه غراً و کم نظیر در حقیقت از هفت بخش تشکیل می شود و بر هفت محور دور می زند که هر کدام هدف روشنی را تعقیب می کند و باید جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

بخش اول: تحلیل فشرده و عمیقی پیرامون مسأله توحید و صفات پروردگار و اسماء حسنی و هدف آفرینش است. کلام خود را آغاز می کند با حمد و سپاس خدائی که به ستایش و فضل و عزت و رفعت از همه کس سزاوارتر است.

خداوند را بر نعمتهایی که عطا فرموده می ستایم، و بر الهامش سپاس می نمایم، و بر نعمتهای گسترده ای که ابتداءً عنایت نموده و نعمتهای فراوانی که عطا فرموده و تفضلات بی دریی که مرحمت کرده ثنا می گویم.

او را سپاس می گویم با حمدهای بی پایانی که از حد شمارش بیرون است، و قدرت بر شکر همه ی آنها نیست، و نهایت آنها قابل درک نخواهد بود. نعمتهایی که خداوند برای ازدیاد و دوام آنها ما را دعوت به شکرگزاری نموده،

گواهی می دهم که معبودی غیر «الله» نیست. تنها او معبود است و شریکی ندارد. کلمه ای است که تأویل آن اخلاص است و متضمن رساندن قلوب به اعتقاد وحدانیت خداست، و آنچه را که عقل به آن پی می برد در اندیشه ها ظاهر نموده است. خداوندی که امکان دیدنش و قدرت توصیف او برای کسی نیست، و به خیال کسی نمی گنجد.

بخش دوم: مقام والای پیامبر (ص) و مسؤولیتها و ویژگیها و اهداف او مورد بحث قرار گرفته.

و گواهی می دهم که پدرم حضرت محمد بنده و فرستاده ی اوست، که خداوند او را قبل از خلقتش اختیار نمود، و قبل از بعثتش او را برگزید، و پیش از انتخابش نام او را معرفی کرد. این انتخاب هنگامی بود که مردم در مخفیگاه غیب پنهان بودند و در پس پرده های هولناک مستور و به نهایت عدم مقرون بودند.

علت این اختیار آن است که خداوند به سرانجام کارها آگاه و به حوادث روزگار احاطه دارد، و به زمان وقوع مقدرات عارف است. برای اتمام امر خود او را مبعوث گردانید، و به قصد اجرای حکم خود او را برانگیخت، و برای انفاذ مقدرات حتمی خود او را به پیامبری اختیار نمود. آنحضرت مردم را دید که هر گروهی دارای دین مخصوص به خود است، و به آتشهای افروخته ی خود روی آورده و بُتان خود را پرستش می نمایند، و با آنکه فطرتاً معرفت خدا را دارند ولی منکر او هستند.

بخش سوم: از اهمیت قرآن مجید و عمق تعلیمات اسلام، فلسفه و اسرار و احکام، و پند و اندرزهایی در این رابطه سخن می گوید. آنگاه حضرت زهرا علیها السلام متوجه اهل مجلس شدند، و خطاب به تمام مهاجران و انصار فرمودند:

شما بندگان خدا پرچم و علم آمر و نهی الهی، و در بردارنده دین و وحی او و پاسداران خدا بر خود هستید، و رساننده ی احکام الهی به دیگر امتهایی که در اطراف شما می باشید. در بین شما شخصی است که استحقاق زعامت دارد، و او کسی است که قبلاً در مورد اطاعت او متعهد شده اید. (۴)

و ما یادگاران هستیم که خداوند ما را نمایندگان خود بر شما قرار داده، و به همراه ما کتاب ناطق الهی و قرآن صادق و نور تابناک و شعاع درخشنده ای است که دلیلهای آن روشن و اسرار آیاتش ظاهر است، و با ما دلیل و برهانی است (۵) که ظواهرش متجلی و استماع آن برای مردم همیشگی است (و ملال آور نیست).

پیروان او بخاطر آن مورد رشک دیگران هستند، و تبعیت او بشر را به رضوان خدا سوق می دهد، و گوش دادن به آن نجات را بدنبال می آورد. در او است بیان دلیلهای نورانی الهی، و

پندهای مکرر خداوند، و واجباتی که تبیین شده و محرمانی که از آن منع گردیده، و احکامی که کافی است و ادله ای که روشن است و کلماتی که شفافبخش است، و فضائلی که بدان دعوت شده، و اموری که اجازه ی انجام آن داده شده، و رحمتی که امید آن می رود، و قوانینی که واجب شده است.

حکمت دستورات الهی

بخش چهارم: بانوی اسلام (س) ضمن معرف خویش خدمات پدرش رسول الله (ص) را به این امت بازگو می کند، و در اینجا بانوی اسلام (س) دست آن ها را گرفته و به گذشته نزدیک جاهلی خود، برای یک دیدار عبرت انگیز، و مقایسه با وضعشان بعد از اسلام، و گرفتن درس از این دگرگونی، رهنمون می شود.

بخش پنجم: حوادث و رویدادهای بعد از رحلت پیامبر (ص) و حرکت و تلاش حزب منافقین برای محو اسلام بازگو کرده است.

هنگامی که خداوند جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگان را برای او اختیار نمود و آنچه به او وعده داده بود به اتمام رساند کینه و دشمنی ناشی از نفاق شما ظاهر گردید، و پوشش دین کهنه شد و جامه اش مندرس و استخوانش ضعیف گردید، و آن قدرت ضعیف از بین رفت. خشم فروخورده ی گمراهان به تکلم درآمد، و گمنام ذلیلان ظاهر شد، و شخص مورد قبول اهل باطل صدا درآورد، و در عرصه ی شما قدرت نمایی کرد. (۱۳) شیطان از کمینگاه خود سر برآورد و شما را بسوی خود خواند و شما را دعوت نمود و دید که دعوت او را اجابت می نمایید و آماده ی فریب خوردن از او هستید، و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت، و چون شما را بر ضد حق به غضب و خشم در آورد شما را غضبناک دید. پس ستر دیگران را برای خود علامت گذاری نمودید و آن را به آبی که از آن شما نبود حاضر کردید. تمام این قضایا در حالی بود که فاصله ی زیادی نشده و زخم هنوز وسیع بود و جراحت هنوز التیام نیافته و پیامبر

هنوز دفن نگردیده بود! (با نیرنگ و دروغ بر مردم جلوه دادید که حضورتان در سقیفه برای دفع فتنه بوده است). به گمان ترس از بروز فتنه به سرعت اقدام کردید ولی بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می‌گیرد.

این کارها از شما بعید بود و چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می‌گردید، با اینکه کتاب خدا در بین شماست؟! کتابی که آموزش ظاهر و احکامش نورانی و علامتهاش واضح و نواهیش تبیین شده و اوامرش روشن است. به چنین کتاب خدایی پشت نمودید.

وای بر شما! آیا می‌خواهید از او روی گردانید یا به غیر آنچه که در آن است حکم کنید؟ بد جایگزینی برای ظالمان است، و کسی که غیر اسلام را به عنوان دین برگزیند از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن فتنه و جای گرفتن قلاده‌ی آن که شروع نمودید در برافروختن شعله‌های فتنه و برانگیختن هیزماه‌های آن و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنتهای پیامبر برگزیده نمودید.

به ظاهر طرفداری از دین می‌نمایید در حالی که در باطن به نفع خود عمل می‌کنید و نسبت به اهل بیت و فرزندان‌شان با حیله و نیرنگ رفتار می‌کنید (۱۴) ما در مقابل اذیت‌های شما صبر می‌کنیم مانند صبر کسی که با چاقوهای بزرگ و پهن اعضایش را قطعه قطعه کنند و تیزی نیزه را در بدنش فروبرند!

بخش ششم: از غضب «فدک» و بهانه‌های واهی که در این

زمینه داشتند، و پاسخ به این بهانه‌ها سخن می‌گوید. و شما اکنون معتقدید که ارثی و نصیبی برای ما اهل بیت نیست! آیا در پی حکم جاهلیت هستید؟! و چه حکمی بهتر از حکم الهی برای گروهی است که یقین دارند؟ آیا نمی‌دانید؟! البته که همچون آفتاب تابنده برای شما روشن است که من دختر اویم. از شما مسلمانان بعید است! آیا ارث پدرم به‌زور گرفته شود؟

ای پسر ابوقحافه، آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از

پدرت ارث ببری ولی من از پدرم ارث نبرم؟ مطلبی تعجب‌آور و متحیرکننده آورده‌اید که از روی جرأت بر قطع رحم رسول‌الله و شکستن پیمان چنین اقدامی کرده‌اید! آیا از روی عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر خود افکندید؟ آنجا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و سلیمان از داود ارث برد (۱۵)» و آنچه حکایت نموده از قضیه‌ی یحیی و زکریا آنجا که می‌فرماید:

«پروردگارا... فرزندی به من عنایت فرما که از من و از آل یعقوب ارث ببرد(۱۶)» و فرموده: «و خویشان میت بعضی بر بعض دیگر در کتاب خدا در ارث بردن تقدم دارند(۱۷)» و فرموده: «خداوند در رابطه‌ی با اولادتان سفارش می‌نماید که فرزندان پسر دو برابر فرزندان دختر ارث می‌برند(۱۸)» و فرموده: «اگر میت چیزی بعد از خود باقی بگذارد برای والدین و خویشان به نیکی وصیت نماید، این حقی است که متقین باید آن را انجام دهند(۱۹)».

گمان نمودید بهره‌ای از ارث برای من نیست و از پدرم ارثی به من نمی‌رسد و بین من و پدرم نسبتی نیست؟! آیا خداوند شما را به آیه‌ای اختصاص داده که پدرم را از آن خارج نموده است؟ یا می‌گوئید ما اهل دو مذهب هستیم که از یکدیگر ارث نبریم؟! آیا من و پدرم هر دو اهل یک مذهب نیستیم؟! یا اینکه شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسرعمویم (علی علیه‌السلام) آگاه ترید؟

اکنون که فدک را نمی‌دهی این مرکب زین و افسار شده‌ی آماده را بردار تا در قبر همراه تو باشد و روز قیامت وبال آن گریبان‌ت را بگیرد. خداوند خوب حکم‌کننده‌ای و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خوب زعیمی و قیامت خوب وعده‌گامی است. بعد از مدت کوتاهی پشیمان می‌شوید، و در روز قیامت اهل باطل زیان می‌کنند، و زمانی پشیمان می‌شوید که برای شما نفعی ندارد، و برای هر خبری زمان وقوعی است، و بزودی می‌فهمید عذاب خوار کننده گریبان چه کسی را می‌گیرد و چه کسی است که عذاب دائمی بر او نازل می‌شود

بخش هفتم: به عنوان یک اتمام حجت از گروه انصار و اصحاب

راستین پیامبر(ص) استمداد می‌کند و گفتار خود را با تهدید به عذاب الهی پایان می‌دهد.

نفرین بر کسی که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را خوار کند من گفتم آنچه گفتم در حالی که می‌دانم یاری نکردن وجودتان را فراگرفته و بی‌وفائی همچون لباسی بر قلبهای شما پوشیده شده است. ولی این سخنان بخاطر بر لب رسیدن جانم بود، و آه هائی بود که برای خاموش نمودن آتش غضب کشیدم، و سستی تکیه گاهم بود و ضعف یقین شما است و اظهار غصه‌ی سینه‌ام است که دیگر نتوانستم آن را مخفی کنم و برای اتمام حجت بود

. پس شتر خلافت را بگیرید و با طناب، رَحْل (۲۴) آن را محکم به شکم آن ببندید، در حالی که کمر آن شتر مجروح شده و استخوانهایش شکسته و پاهایش ضعیف شده و کف پاهایش نازک گردیده و عیب آن همیشه باقی است. به غضب خدای جبار و ننگ ابدی علامت گذاری شده، و پیوسته به آتش الهی روشن است. آتشی که بر قلبها اثر می‌گذارد و در عمودهای کشیده بر آنان ملازم شده است. آنچه انجام می‌دهید نزد خداوند محفوظ است و به زودی کسانی که ستم کردند می‌فهمند به کجا می‌روند. من دختر پیامبرتان هستم!

من دختر کسی هستم که شما را از عذاب شدیدی که در پیش دارید ترسانید. پس همگی درباره‌ی من حیله بکار بندید و به تأخیر نیندازید! شما کار خود را بکنید که ما هم در کار خود هستیم و منتظر باشید که ما هم منتظریم.

پروردگارا بین ما و قوم مان به حق حکم کن و تو بهترین حکم‌کننده هستی و به زودی کفار خواهند دانست که عاقبت کار به نفع کیست. و بگو عمل کنید که به زودی خدا و رسول و مؤمنین عمل شما را می‌بینند و نامه‌ی اعمال هر انسانی را برگردن او آویخته‌ایم. بنابراین هرکس به اندازه‌ی ذره‌ای عمل خیر انجام دهد نتیجه‌اش را می‌بیند و هرکس ذره‌ای عمل شر انجام دهد نتیجه‌اش را خواهد دید. و گویا کار چنین مقدر شده است.

